



پایان نامه ی کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی

(گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)

عنوان:

بررسی آرای منتقدان ولایت مطلق فقیه

در فقه سیاسی شیعه

استاد راهنما:

دکتر اردوان ارژنگ

استاد مشاور:

محمدیار محمدی

محقق و نگارنده:

منصور غریب پور جهان آباد

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

شهریور ۱۳۹۰

## باسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان بررسی و نقد آرای مخالفان ولایت مطلق فقیه در فقه سیاسی شیعه قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی) توسط دانشجو منصور غریب پور جهان آباد با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر اردوان ارژنگ تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه ی تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

### منصور غریب پور جهان آباد

این پایان نامه ..... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ..... توسط هیئت داوران بررسی و درجه ..... به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
--------------------	-------	-------

استاد راهنما:	دکتر اردوان ارژنگ	
---------------	-------------------	--

استاد راهنما:	-	
---------------	---	--

استاد مشاور:	محمدیار محمدی	
--------------	---------------	--

داور ۱:

داور ۲:

نماینده ی تحصیلات تکمیلی:

## تعهد نامه ی اصالت اثر

این جانب منصور غریب پورجهان آباد، تأیید می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه، حاصل کار پژوهشی این جانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده، مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه ی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: منصور غریب پورجهان آباد

امضاء

تقدیم به:

حضرت ولی الله اعظم، امام زمان (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه)

و

امام روح الله الموسوی الخمینی

و

ولی فقیه و زعیم بر حق زمان

حضرت امام خامنه ای

و

شهیدان عزیز انقلاب اسلامی.

## سپاس گزاری:

خدای سبحان را سپاس می گویم که توفیق قدم گذاشتن در راه معرفت و خدمت به معارف اسلام را به این حقیر عنایت فرمود و صلوات می فرستم بر هادیان نور و رحمت، پیامبر اسلام و خاندان مطهرش که وسایط فیض الهی بر قلوب ظلمت زده ما هستند. و خالصانه بر دستان پر مهر پدر و مادرم بوسه می زنم که با منش صادقانه و خلق بی پیرایه ی خویش مهر ولایت و شوق معرفت را به جان ما انتقال دادند.

از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر ارژنگ عضو هیئت علمی و ریاست محترم دانشگاه یاسوج که کار راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند، هم چنین از استاد محمدیار محمدی که مشاور این بنده بوده است و اساتید عزیز و گرامی ام در دانشکده الهیات جنای آقای دکتر امیر حمزه سالارزایی و جناب آقای دکتر نادر مختاری کمال تشکر و قدردانی خود را اعلام می دارم و هم چنین لازم می دانم از همسر عزیزم که در تدوین این پایان نامه زحمت های زیادی متحمل شدند، تقدیر و تشکر نمایم.

## چکیده:

مراد از ولایت فقیه، حاکمیت فقیه عادل جامع شرایط در رأس حکومت اسلامی در دوران غیبت امام عصر (عج) است. اصل ولایت فقیه یک امر مسلم و مسبوق به سابقه ی تاریخی به طول تاریخ تشیع می باشد که به تعبیر امام « از آن اموری است که تصورش موجب تصدیقش می شود». اگر چه نوع حاکمیت و قلمرو اختیارات آن، در میان نظریه پردازان مورد اختلاف است، می توان دیدگاه های موجود را در سه عنوان خلاصه کرد: ۱- نظریه حسیبه که به معنای سرپرستی امور بدون متولی است و می توان آن ها را موسع یا مضیق تفسیر کرد. ۲- نظریه انتصاب که شامل انتصاب مقید و مطلق می شود و اطلاق یا تقیید آن با توجه به امور عمومی حکومت است. ۳- نظریه انتخاب که ولایت فقیه را ناشی از جعل مردم و تابع شروط عقد بین مردم و حاکمیت قلمداد می کند.

اندیشه ی ولایت فقیه با عنایت به شرایط زمان و حساسیت ها و حاکمیت های طاغوتی مجال تحقق و رشد و بالندگی نیافته است؛ اما در آثار فقها به شکل های مختلف از آن یاد شده است که در مجموع بیان گر حقانیت این نظریه و ابعاد گوناگون آن می باشد. این نظریه در میدان تجربه عینی خویش در انقلاب اسلامی، با چالش های فکری جدیدی مواجه گردیده است. مخالفان به صورت عمده، انتقادات خود را بر پایه ی سه مفهوم ولایت، انتصاب و فقاقت ارایه داده اند. در شبهات مربوط به ولایت نوعاً این گونه تصور شده است که لازمه ی ولایت، حجر، سفاقت و دیوانگی موئی علیهم است. لذا آن را غیر مردمی و تناقض نما جلوه داده اند... در نقد این دست شبهات، روشن گردیده که مفهوم ولایت، همان مدیریت و سرپرستی است و رابطه ای با ولایت بر محجورین و سفیهان و دیوانگان ندارد... و یا در مفهوم انتصاب، قایل به نظارت ناپذیری حکومت ولایی و عدم امکان آن در مقام ثبوت شده اند که در جواب باید گفت، لازمه نظارت پذیری، آزادی عقیده، بیان و نیز حق مخالفت و نظارت است که از سوی خداوند برای مردم تشریح شده است و اذن فقیه در جعل و مشروعیت این حق نقشی ندارد تا مستلزم دور باشد. شبهه عدم امکان ثبوت نصب هم، علاوه بر این که با مفاد ادله عقلی و نقلی ولایت فقیه مخالف است، آن طوری که ادعا شده نشان دهنده امتناع نصب نیست؛ چرا که پذیرش ولایت برای فقها واجب کفایی است و منظور از «ولایت بالفعل» اعمال بالفعل نمی باشد.

در بررسی فرضیات پایان نامه دریافت شد که اولاً مستفاد از ادله، ولایت مطلق انتصابی است و ثانیاً فقاقت و عدالت فقیه و نظارت مردمی، مانع محکمی برای جلوگیری از استبداد این نوع حاکمیت است و ثالثاً بر اساس اصل تنزل تدریجی و اهداف حکومت اسلامی، نظریه ولایت فقیه به حاکمیت معصومان نزدیک تر است. در این پایان نامه ضمن تشریح مبانی حکومت اسلامی، به صورت مستدل و منطقی به بررسی شبهات پیش روی نظریه ولایت مطلق انتصابی فقیه، پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: ولایت، فقیه، مطلق، انتصاب، انتخاب، استبداد.

## فصل اول

### کلیات تحقیق

پیشینه بحث پیرامون مسأله ی «ولایت فقیه» از دورانی آغاز می گردد که فقه شیعه از حالت پراکندگی به صورت تبویب و ترتیب درآمد، و احکام مربوط به هر باب در جای مناسب خود ثبت و ضبط گردید. بیش از یازده قرن است که فقه امامیه به صورت مستقل و منسجم درآمد است. مسأله ی ولایت فقیه، گرچه ریشه کلامی دارد ولی جنبه فقهی آن موجب گردید، تا فقها از روز نخست، در ابواب مختلف از آن بحث کنند و موضوع ولایت فقیه را در هر یک مسایل مربوط روشن نمایند. در باب جهاد، تقسیم غنائم، خمس، زکات، سرپرستی انفال و نیز اموال مجهول المالک، باب امر به معروف و نهی از منکر، باب حدود و قصاص و تعزیرات و مطلق اجرای احکام انتظامی اسلام، ... فقها از مسأله ی ولایت فقیه و گستره آن بحث کرده اند. عمده آن که در اصل ثبوت ولایت، جای سخنی نبوده و همگی آن را پذیرفته اند و اخیراً این جهت مورد تردید قرار گرفته که آیا ثبوت آن، از راه «حسبه» و یک تکلیف شرعی است یا آن که یک منصب است و به عنوان نیابت از مقام ولایت کبری است. فقهای سلف بر همین مبنا بوده اند، و همگان (فقها) ولایت فقیه را به معنای مسئولیت و سرپرستی امور گرفته و در رابطه با شئون عامه و مصالح همگانی امت تمامی احکام انتظامی اسلام را شامل می شود و وصف عامه یا مطلق همین معنا را افاده می کند و به تعبیر دیگر شامل همه اختیارات حکومتی می شود. و در مفهوم مطلق تحول و تغییری رخ نداده است و تاکنون به یک مفهوم استعمال می شود. نگاه به نظرات شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، شهید اول، شهید ثانی و محقق ثانی، شاهد این مدعاست. لذا صاحب جواهر پس از نقل آرای فقها بر ثبوت ولایت و نیابت عامه ی فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت می گوید:

«بل لولا عموم الولاية لبقى كثير من الامور المتعلقة بشيعتهم معطلة... فمن الغريب وسوسه بعض الناس في ذلك، بل كانه مذاق من طعم الفقه شياً، و لا فهم من لحن قولهم و رموزهم امراً» بنابراین اصل ولایت فقیه کاملاً میرهن و دارای سابقه و مورد اتفاق فقها است. امروزه الگوی نظام حکومتی اسلام در پرتو ولایت فقیه در میان بشر و عالم سیاست شکل گرفته و نشانی کامل بر مسیر درست تکامل انسان ها است.



ولایت فقیه که همان ولایت دینی در عصر غیبت است مانع بزرگی بر سر راه چپاول زور مداران و ستم گران است و لذا مورد تهدید و تحریف دشمنی آنان واقع شده است. و این تهدیدها از دو راه جریان دارد. یک طریق آن، به صورت عملی و مبارزه فیزیکی برای شکست جریان ولایت فقیه است و طریق دوم آن، تلاش فکری برای شکست ایدئولوژیکی و مغلوب کردن آن در میدان علم و اندیشه است. برخی از تفکرات به نفی ولایت فقیه و قهراً حکومت دینی می پردازد و برخی با مشوه کردن و مبهم نشان دادن این اصل تاریخی و روشن آن را مورد تردید قرار می دهند و بعضی سعی می کنند آن را یک حقیقت استبدادی نشان دهند و عده ای از مخالفان با طرح مخالفت های دانش های بشری و تجربیات ارزشمند انسانی با نظام ولایت فقیه آن را کهنه و ارتجاعی معرفی می کنند.

از آن جا که موضوع این پایان نامه « بررسی و نقد آرای مخالفان ولایت مطلق فقیه در «فقه

سیاسی شیعه» می باشد به شرح ذیل تنظیم گفته است. پایان نامه به ده فصل تقسیم شده است.

فصل اول مربوط به کلیات تحقیق است و در فصل دوم به رابطه ی اسلام و سیاست پرداخته ایم

و فصل سوم در مورد دین و آزادی و جایگاه مردم در حکومت اسلامی می باشد و فصل چهارم در مورد

ویژگی ها و کارکردهای ویژه حکومت اسلامی است. و فصل پنجم در مورد حاکمیت و ولایت خداوند

بحث می کند و فصل ششم بیان گر ولایت پیامبران و امامان است. و فصل هفتم اندیشه سیاسی شیعه

در عصر غیبت را مورد بررسی قرار می دهد و فصل هشتم به حکومت فقیهان می پردازد و فصل نهم

به نقد مهم ترین آرای مخالفان ولایت مطلق فقیه مربوط است و در نهایت فصل دهم مربوط به آزمون

فرضیه های تحقیق و نتیجه گیری و منابع می باشد.

## ۱-۲- بیان مسأله:

«فقه تئوری کامل زندگی انسان از گهواره تا گور است» به طوری که همه عرصه های زندگی انسان در بایدهای خویش محتاج بدان و تنظیم امور زندگی فردی و اجتماعی انسان ها مستلزم حضور همه جانبه آن است. مهم ترین بعد اجتماعی فقه سیاسی، شأن حاکمیتی آن است که داعیه دار تنظیم امور حاکمیتی و تعیین و ترسیم تعامل و مشارکت روشن مردم در ساختار نظام سیاسی کشور می باشد. در اندیشه سیاسی اسلام حاکمیت فقط از آن خدا و کسانی است که از ناحیه ی او مأذونند که عبارتند از: پیامبران و امامان و طبق نصوص مأثوره از امامان و نیز استدلال عقلی، در زمان غیبت امام معصوم (سلام الله علیه) فقهای بزرگوار قایل به ولایت مطلق انتصابی هستند و همه اختیارات حکومتی حضرت رسول و ائمه را برای آنان قایلند و در مقابل دسته ای دیگر ولایت انتصابی را مقیده می دانند و اختیارات آن را در حوزه قضاوت و اجرای حدود می شمردند و دسته ای نیز قایل اند به این که ولایت فقیه از باب «حسبه و تکلیف و وظیفه شرعی است و نه یک منصب الهی... ولایت مطلق که نظر مشهور فقهاست به معنای اختیار مطلق ولی برای حفظ و اداره حکومت اسلامی و قدرت تصمیم و تصرف در همه امور با توجه به مصالح اجتماعی اسلام و مسلمانان است روح حاکم بر این نظریه به دو کلمه «فقاہت و عدالت» بر می گردد. با طلوع انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و میدان تجربه عملی این نظریه عده ای به اشکال مختلف به مخالفت علمی و عملی با آن پرداختند و شبهات خود را متوجه سه مفهوم ولایت، انتصاب و فقاہت نمودند و با طرح آرایبی نظیر: نظارت فقیه به جای ولایت فقیه، وکالت فقیه، دیکتاتور بودن حکومت فقیه، عدم نظارت پذیری فقیه، پارادکس و تناقض نما بودن حکومت و در نهایت غیر انتخابی بودن آن، چالش هایی پیش روی این نظریه مطرح نمودند.

در این پایان نامه تلاش نگارنده بر آن است که بر مبنای مبانی اندیشه حکومت اسلامی و اصل ولایت فقیه به تحلیل و بررسی و نقد این آرا بپردازد.

### ۱-۳- پیشینه ی تحقیق:

درباره ی موضوع این پایان نامه: از آن جایی که موضوع ولایت فقیه به درازای تاریخ تشیع می باشد، همواره در میان دانشمندان اسلامی مخصوصاً فقها مطرح بوده است. اگر چه شرایط حکومت های جبار زمان در سالیان متمادی اجازه ی رشد و توسعه و تکامل و نشر و نقد به این نظریه نداده است، ولی هیچ گاه مورد غفلت، حداقل در بعد نظری واقع نشده است (ولو به اشاره). عصر طلایی این نظریه را باید در دوران امام خمینی و انقلاب اسلامی یافت که زمینه ی تحقق عملی آن فراهم شد و این اصل جایگاه تاریخی خود را پیدا نمود. نوع نگاه به این نظریه در میان فقها ضمن پذیرش اصل آن، با کمی اختلاف و تفاوت مواجه بوده است. شاید به همین حالت عده ای تصور کردند که دارای مبانی روشن و سابقه محکم و منصوص نیست و لذا مغرضانه و یا جاهلانه به مخالفت با آن برآمدند. در طول سالیان بعد از انقلاب اسلامی گزاره ها و اندیشه هایی به مخالفت با این نظریه بیان شده است و بزرگان نیز در دفاع از اصالت و جایگاه عملی آن نیز به پاسخ گویی پرداخته اند. اگر چه در میان تحقیقات و پایان نامه های دانشجویی مهجور و مظلوم واقع شده است.

## ۴-۱- ضرورت انجام تحقیق:

بحث ولایت فقیه یک بحث اصیل و تاریخی و دارای سابقه ی روشن در اندیشه سیاسی تشیع می باشد که همواره ثبوت آن مورد اهتمام فقها بوده، و به مناسبت های گوناگون در کتاب های فقهی ذکر گردیده است.

به علت حاکمیت حکومت های طاغوتی و اشخاص مستبد و سلاطین فاسد، فرصت اقامه حکومت ولایی و اسلامی ذیل اندیشه ولایت فقیه فراهم نشده است و همین حالت باعث شد که جوانب و انحای مختلف این نظریه در طول سالیان متمادی به طور صحیح و گسترده و فراگیر مطرح نگردد. با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی و میدان تجربه عملی آن، این اندیشه که در بعد عملی نوظاست، مورد هجمه، مخالفت، نقد و شبهه واقع گردیده. از آن جایی که خاستگاه و مخاطب این گونه نظریات مخالف، جامعه علمی و دانشگاهی می باشد و از سویی پویایی و شکوفایی و عدم تحریف این اصل منوط به بررسی و نقد آرای مخالفان است، رسالت دانشگاهی و هم چنین باز بودن عرصه نظریه پردازی فعال در پاسخ گویی به شبهات مطرح شده، ضرورت انجام چنین تحقیقاتی را می نمایاند و به نظر می رسد جای آن در میان پایانه های دانشجویی و در محافل دانشگاهی و مراکز علمی خالی است.

## ۵-۱- هدف های تحقیق:

۱- تبیین مبانی حکومت اسلامی و اندیشه ی ولایت فقیه ۲- تقریر و بیان شبهات مطرح شده در برابر نظریه ی ولایت مطلق فقیه و بررسی و نقد و پاسخ گویی منطقی و مستدل و مدون به آن ها ۳- اثبات این که ولایت فقیه مترقی ترین نظریه ی حکومت در عصر غیبت و نزدیک ترین حکومت به حکومت معصومان است.

## ۶-۱- سوالات تحقیق:

- ۱- ولایت مطلق فقیه به چه معناست و قلمرو آن تا کجاست؟
- ۲- مفهوم نظارت و مکانیسم آن در این نظریه چگونه تحقق پیدا می کند؟
- ۳- آیا این نظریه منجر به استبداد حاکم و سوء استفاده از قدرت نخواهد شد؟

۴- منشأ مشروعیت این نوع حاکمیت و نقش مردم در این ساختار چگونه تعریف می شود.

#### ۱-۷- فرضیه ها:

۱- ولایت مطلق فقیه نسبت به ولایت مقیده برای اداره ی جامعه دارای مبانی مستحکم تر

نظری و فقهی است.

۲- حضور این نوع حاکمیت مستلزم استبداد نیست و بلکه برای جلوگیری از استبداد است.

۳- جایگاه و نقش مردم، همان مقبولیت دادن و تحقق بخشیدن به حکومت فقیه است.

۴- ولایت مطلق فقیه نزدیک ترین نظریه به حاکمیت معصومان در عرصه حکومت دارای

است.

## ۱-۸- روش تحقیق:

با توجه به موضوع پایان نامه برای رسیدن به نتیجه مطلوب و به دست آوردن حقایق بیشتر، روش مطالعه ای و کتابخانه ای انتخاب شده و با مراجعه به کتب مختلف به جمع آوری نظریات و بررسی و تحلیل آن ها اقدام شده است.

## فصل دوم

### رابطه ی اسلام و سیاست

## ۲-۱- مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است زیرا نیازهای گوناگون عاطفی، اقتصادی و فرهنگی او را به سمت تشکیل اجتماع و زندگی جمعی سوق می دهد. خانواده، عشیره، قبیله، دهستان، شهر، کشور و ملت همگی جلوه های متنوع و مختلف حیات جمعی بشر و گرایش وی به زیست جمعی است در حیات اجتماعی، منافع و نیازهای افراد به یک دیگر گره می خورد. بنابراین مواردی پیش می آید که به کل جامعه مربوط است و هر فرد به تنهایی نمی تواند درباره ی، آن تصمیم بگیرد. برای نمونه اگر به یک قبیله توجه کنیم، گر چه تک تک افراد آن درباره ای از مسایل تصمیم می گیرند و بر اساس تشخیص فردی خود عملی را انجام می دهند، اما در باب مسایلی نظیر جنگ یا صلح مقوله ای است که به کل جامعه مربوط می شود و امری شخصی و فردی نیست که آحاد جامعه هر یک به طور جداگانه درباره ی آن تصمیم بگیرند و به تشخیص فردی خود عمل می کنند.

این حقیقت که در هر اجتماع کوچک یا بزرگ پاره ای مسایل و مشکلات جمعی وجود دارد که نیازمند تصمیم گیری کلی و کلان است انسان ها را به پذیرش مقوله ی ریاست ترغیب کرده است. در طول تاریخ بشر هر جا اجتماعی وجود داشته است، عنصر ریاست - جزء لاینفک آن بوده است. هر جامعه ای، به هر شکل معینی، فرد یا افرادی را به عنوان رئیس، حاکم، امیر، والی، سلطان و مانند آن به منظور تدبیر امور کلان اجتماعی خویش به رسمیت شناخته است.

## ۲-۲- مخالفان ضرورت حکومت :

« عمده ترین مخالفان حکومت یا دولت، آنارشیست ها هستند. آنان همانند کمونیست، به نفی نهاد سیاسی دولت رأی می دهند، با این تفاوت که برای مارکسیست ها ضرورت برابر سازی موقعیت اجتماعی ایجاد می کند که ابتدا دولت کارگری به شکل مستبدانه تأسیس شود تا پس از رفع نابرابری موجود زمینه برای اضمحلال دولت فراهم آید.» (سیف زاده، مدینه و نظریه های جدید علم سیاست. ص ۱۷۶) اینان (آنارشیست ها) استدلال می کنند که دولت روابط عاطفی و ارزشی



انسان ها را که مبتنی بر سرشت انسان است از بین می برد. به این معنا که اجبار دولت بر خرد، آزادی و عشق انسان تأثیر منفی می گذارد. ظاهراً این فکر تلاشی است در برابر بی عدالتی هایی که جامعه و فرد از آن رنج می برد (همان ص ۱۷۷ و ۱۸۷)

«شاید عمده ترین عاملی که سبب شد اندیشه آنارشیسم مطرح شود، مشی تحمیلی استبدادی و دیکتاتور مآبانه حکومت ها در طول تاریخ حیات بشری بوده است. آنارشیست ها به گمان این که میان استبداد و نظام سیاسی ملازمه وجود دارد، به نفی دولت رأی می دادند تا در پناه آزادی، عدالت و امنیت مطلوب انسان ها تأمین گردد. اندیشمندان مختلفی چنین ایده ای را مطرح می کردند، تأکید عمده ی آن ها بر آزادی مطلق انسان، کرامت و حیثیت انسانی، تعاون، عدالت، اخلاق و عشق ورزی است.» (لک زایی، بررسی تطبیقی نظریه های ولایت فقیه، ص ۲۱) در میان مسلمانان نیز افراد و گروه های اندکی در وجوب تأسیس نظام سیاسی تردید و آن را انکار کردند. از جمله خوارج و بعضی اشخاص. به هر حال اندیشه عدم ضرورت نظام سیاسی در میان متفکران مسلمان به ویژه شیعیان مقبولیت چندانی نداشته است.

### ۲-۳- موافقان ضرورت تشکیل حکومت:

اکثر اندیشمندان بر ضرورت تشکیل حکومت تأکید کرده اند. عمده ترین و مهم ترین استدلال اینان ایجاد نظم و تأمین امنیت و جلوگیری از هرج و مرج در جامعه است. زیرا در صورت فقدان حکومت، جامعه انسانی به دلیل ویژگی های خاص خود؛ فروپاشیده، نا امنی و هرج و مرج بر زندگی مستولی، و امنیت انسان ها دست خوش حوادث ناگوار می شود. بنابراین انسان به صورت عقلانی در می یابد که وجود نهادی به نام حکومت امری ضروری است. بر اساس این دیدگاه از آن جا که انسان ها به طور ذاتی، اجتماعی اند و داعیه های آنان نیز مختلف است و هر فردی در پی منافع و اغراض خویش است باید تدبیری اندیشیده شود که طبیعت سودجوی آدمیان را مهار کند و شرایط یکسانی را برای همه پدید آورد تا اشخاص در درون اجتماع در محدوده ای معین فعالیت کنند و از

تعرضات اجتماعی مصون بمانند و در صورت تجاوز و تعرضی به دیگران با مجازات رو به رو شوند.  
(سبزواری، روضه الانوار عباسی، ص ۲۹ و ۳۳)

بنابراین ضرورت تأسیس حکومت را می توان در بسط حقوق اساسی انسان ها و عدالت و  
تظلم خواهی مظلومان و جلوگیری از تجاوز به هم نوعان دانست اکثر دیدگاه هایی که به ضرورت  
وجود حکومت و دولت حکم می کنند، معتقدند باید نهاد قدرت مند و سازمان یافته ای وجود داشته  
باشد که در صورت بروز تخاصم و تنازع خواسته های افراد و گروه ها میان آنان داوری کند و به حل و  
فصل خصومت بپردازد. (همان ص ۳۱)

«می توان نیاز جامعه به حکومت را در هفت مورد خلاصه کرد: ۱- ضرورت نظم و امنیت ۲-  
لزوم تصدی کارهای بی متصدی ۳- لزوم تعلیم و تربیت ۴- لزوم ایجاد تعادل بین فعالیت های  
اقتصادی ۵- لزوم دفاع و آمادگی در برابر دشمنان ۶- لزوم رفع اختلاف ها ۷- لزوم وضع احکام و  
مقررات جزایی» (مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، ص ۸۰)

### ۲-۳-۱- دیدگاه متفکران مسلمان در باب ضرورت حکومت:

متفکران مسلمان طرفدار ضرورت تشکیل حکومت، همواره به این سخن مولا امیرمؤمنان در  
پاسخ خوارج که شعار نفی حکومت با استناد به آیه (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ) (سوره ی انعام آیه ۵۷) می دادند،  
استناد می کنند.

حضرت در پاسخ خوارج می فرماید:

«سخن حقی است که با آن باطلی خواسته شده. آری حکم، جز از آن خدا نیست، ولی اینان  
می گویند که امارت و حکومت ویژه ی خداوند است و بس؛ و حال آن که مردم را امیر و فرمانروایی  
باید، خواه نیکوکار و خواه بدکار که مؤمن در سایه ی حکومت او به کار خود بپردازد و کافر از زندگی  
خود تمتع گیرد تا زمان هر یک به سر آید و حق بیت المال مسلمانان گرد آوری شود و با دشمن

پیکار کنند و راه ها امن گردد و حق ضعیف را از قوی بستاند و نیکوکار بیاساید و از شر بدکار آسوده ماند.» ( نهج البلاغه - ترجمه آیتی خطبه ۴۰، ص ۱۰۵ و ۱۰۶).

ابن تیمیه (م: ۷۲۸ هـ. ق) فقیه و متکلم حنبلی نیز در ضرورت حکومت از کلام امام علی بهره گرفته و معتقد است «امور مردم سامان نمی یابد مگر به مدد حکام و حتی اگر کسی از سلاطین بیدادگر حاکم شود بهتر از آن است که هیچ کس حاکم نباشد چنان که گفته اند شصت سال با حاکم ظالم به سر بردن بهتر است تا یک شب بدون حاکم. و از علی نقل است که مردمان را از داشتن حکومت چاره نیست اعم از این که صالح باشد یا طالح. مردم از او پرسیدند صالح را می پذیریم ولی طالح را چرا؟ و ایشان پاسخ داد: « زیرا با بودن او راه ها امن می ماند و حدود اقامه می گردد و جهاد با دشمنان دین در می گیرد و زکات جمع می گردد.» (عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ص ۳۳ و ۳۴)

علامه طباطبایی در بخشی درباره ولایت و سرپرستی جامعه، ضرورت دولت را فطری دانسته و بر این باور است که «جوامع بشری در ادوار گذشته و حال، متمدن و غیر متمدن و بزرگ و کوچک، به برخی امور هرگز بی اعتنا نبوده اند و به ناچار هر جامعه ای با توجه به موقعیت خود درباره ی حکومت و سرپرستی جامعه تصمیم گیری کرده است. و این دلیل فطری بودن مسأله ی حکومت است.» (طباطبایی، مجموعه مقالات و پرسش ها و پاسخ ها، ج ۱، ص ۱۲۹)

و می گوید: «بنابراین ولایت چیزی است که هیچ اجتماعی در هیچ شرایطی نمی تواند از آن بی نیاز باشد و هر انسانی با ذهن عادی خود نیازمندی جامعه را به وجود حکومت درک می کند از این رو مسأله ی ولایت و سرپرستی جامعه یک حکم ثابت و غیر قابل تغییر و فطری است.» (همان ص ۱۴۸).

هم چنین مرحوم نایینی در ضرورت نظام سیاسی به دو کار ویژه ی اساسی حکومت اشاره می کند: نخست، حفظ نظم داخلی و منع از تعدی و تجاوز افراد بر یک دیگر و جلوگیری از استبداد ورزی و بسط عدالت. و دوم، جلوگیری از تعدی و تجاوز دشمنان بیرونی و مداخله ی آنان در امور داخلی.

( نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۷) بنابراین در اندیشه وی نیز وجود حکومت برای حفظ نظم، بسط عدالت، تضمین آزادی های سیاسی و جلوگیری از استبداد ورزی و نیز تأمین امنیت کشور در مقابل اجانب ضروری است. زیرا در چنین وضعیتی است که اوضاع سامان می یابد. به هر تقدیر ضرورت تأسیس نظام سیاسی در نزد اکثر اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان بدیهی است.

#### ۲-۴- تعریف سیاست

سیاست عبارت از تدبیر، سرپرستی، برنامه ریزی و سامان بخشیدن به امور جامعه است. از سیاست به فن حکومت داری نیز تعبیر شده است. علم سیاست نیز دانشی است که به مطالعه قدرت، نحوه شکل گیری و به جریان افتادن آن و ساختار دولت می پردازد.

#### ۲-۵- تعریف دین

دین اسلام مجموعه ای است از عقاید، احکام و اخلاق که سلسله ای از باورها، قوانین و اصول ارزشی را در بر می گیرد و از مبدئی و حیانی توسط پیامبر اسلام (ص) دریافت شده است (نجم آیات ۴ و ۳، نمل آیه ۶) و آن حضرت ضمن ابلاغ (آل عمران آیه ۲۰)، وظیفه تعلیم (بقره آیه ۱۲۹)، تفسیر (نحل آیه ۶۴) و اجرای (مائده آیه ۴۸) آن را نیز بر عهده داشته است. قرآن کریم، سنت (گفتار، رفتار و تقریر معصوم)، عقل و اجماع از منابع دین اسلام به شمار می آیند.

#### ۲-۵-۱- هدف دین

هدف دین، تأمین سعادت حقیقی انسان در زندگی دنیوی و اخروی است که در سایه هدایت خاص حاصل می گردد (انبیا آیه ۷۲، انعام آیه ۸۸، اعراف آیه ۴۳، اسراء آیه ۹). مسیر هدایت و راه رسیدن به سعادت نیز صراط مستقیم معرفی شده است.